

# نکاتی درباره واقعه قتل گریبایدف

بقلم

سرمنشی جبهه نگرین عم مختار

(دکتر دریاخ)

جنگ دوم ایران و روسیه  
پایان یافت و عهد نامه صلح  
ترکمانچای بسته شد (پنجم شعبان  
۱۲۴۳ هـ.ق). از آن پس، مصالح  
امپراتوری روسیه ایجاب می -  
کرد که روابط سیاسی بین دو دولت  
بیشتر از سابق برقرار و حفظ شود  
زیرا مسائل چندی از جمله  
موضوع غرامات جنگی که دولت  
ایران می بایستی بردارد وجود  
داشت که تکلیف آنها روشن  
نشده و یا معوق مانده بود .  
باین نظر، آلکساندر گریبایدوف  
که متن روسی معاهده  
ترکمانچای بانشاء و قلم او بود.  
باسمت وزارت مختار بسایران  
آمد و او پس از چند روزی  
توقف در تبریز، در پنجم رجب

۱۲۴۴ وارد تهران شد ولی یکماه بعد (ششم شعبان) با اعضای سفارت خود در شورش و بلوایی که برضد او برپا گردید بقتل رسید و تنها يك تن از کارمندان سفارت او معجزه آسا توانست از آن معرکه جان سلامت بدربرد

در قاریخهای خودی و بیگانه ، همه جا در شرح علت و سبب بروز این واقعه ، نوشته اند که خشونت و پاره ای از اقدامات گریبایدوف که برخلاف سنن و رسوم ایرانیان بود موجب برانگیخته شدن احساسات و تعصبات مذهبی مردم تهران شد و سرانجام کار، به کشتار هیئت سفارت کشید .

وقوع این پیش آمد که امکان زیاد داشت منجر بجنک عمومی میان روسیه و ایران شود ، در محافل خارجی اثر نامطلوبی ایجاد کرد و در نتیجه بیگانگان، ایرانیان را مردمانی وحشی و آدم کش خواندند که به هیچ اصل و قانونی پای بند نیستند . چنانکه هنگامی که این واقعه بگوش سفیر انگلیس در ایران رسید ، در نامه ای بمیرزا ابوالحسن خان وزیر امور خارجه ایران چنین نوشت:

« با حیرت و استکرام تمام خبر قتل منکرو بیر حمانه

ایلچی دولت علیه روس و همراهان و متعلقان او از جانب مرحمت جوانب نواب مستطاب نایب السلطنه بمن رسید .

در تواریخ کل دول و در تمامی عالم از بدو عالم الی حال چنین واقعه و حادثه واقع نشده و اتفاق نیفتاده است . تمام دولتهائی که بی ادبترین و اجنبی ترین کل دول عالم میباشند ، همیشه بر خود لازم داشته اند و دارند . حفظ و حراست و احترام و عزت ایلچیان و فرستادگانی را که از جانب دولتی بدولت و مملکت ایشان وارد می شود، حتی اینکه در بین جنک و منازعه این قاعده کلیه را رعایت و هرگز تجاوز و تخلف جایز نداشته اند . اما در اینجا در بین دوستی و مصالحه در پای تخت پادشاه در محلی که صدای شورش هنگامه و غوغا بگوش رجال و کسان منتسبین او میرسد و فریاد

بیچارگان رامی شنیدند همه فرستادگان دولت دوست به قتل رسیدند . . .<sup>۱</sup> بدین ترتیب در ضبط این واقعه، بملاحظاتی که از آن میان، مقتضیات زمانرا نباید از نظر دور داشت، تقصیر بجانب مردم تهران و احساسات مذهبی آنها گذاشته شد و در نتیجه لکه‌ای بر دامن تاریخ ایران باقی ماند ولی باستناد قرائنی که در دست می‌باشد - اگرچه این قرائن هنوز ضعیفند - نگارنده معتقد است در نقشه قتل سفیر روسیه، دولت و مردم ایران دستی نداشته‌اند.

مقاله حاضر مبتنی بر شرح این نظر و استنباط می‌باشد و امید است روزی اسناد سری درباره تزاری روسیه انتشار و با تائید این نظر، دامن تاریخ ایران از این لکه که بناحق بر آن گذاشته شده است بکلی پاک گردد. و اما برای اثبات این دعوی، باید بزندگانی پر حادثه و ترجمه حال گریبایدوف مراجعه کنیم زیرا آن قرائن و اشاراتی را که بعقیده ما حاکی از بی‌گناهی دولت ایران و مردم تهران است از خلال شرح و احوال او میتوان یافت.<sup>۲</sup>

الکساندر گریبایدوف در چهارم ژوئیه ۱۷۹۴ میلادی در مسکو بدنیا آمد و در ۱۸۰۶ وارد دانشگاه آن شهر شد. در ۱۸۱۲ بخدمت نظام وارد گردید و از سال ۱۸۱۴ به کار نویسندگی و ادبی دست زد نخستین نمایشنامه او در سال ۱۸۱۵ بنام «همسران جوان» در سن پترزبورگ نمایش داده شد.

گریبایدوف در سال ۱۸۱۷ وارد مدرسه عالی وزارت امور خارجه گردید و از آن پس در سلك کارمندان آن وزارتخانه درآمد. در ژوئیه آنسال نمایشنامه «دانشجو» را نوشت و سال بعد (۱۸۱۸) نمایشنامه‌های کم‌دی انتقادی «در خانواده» یا «نامزد شوهر کرده»، «بی‌وفاییهای دروغین» و یک نمایشنامه دیگر از او بمعرض نمایش گذارده شد و در این نمایشنامه‌ها، گریبایدوف از مجامع و محافل اعیان و اشراف آنروز و رفتار و رسوم آنها انتقاد کرده بود.<sup>۳</sup>

۱- اسناد رسمی، مجموعه شماره ۶۱۵۷

۲- برای شرح حال کامل گریبایدوف رجوع کنید به کتاب ژان بن‌آمور بنام

Jean Bonamour: A. S. GRIBOEDOV et La vie Littéraire de son temps

چاپ پاریس سال ۱۹۶۵

۳- ر. ک. به کتاب بن‌آمور از ص ۳۰ تا ص ۱۶۹

کمی بعد از آنکه آخرین نمایشنامه گریبایدوف بنمایش گذارده شد ، وزارت امور خارجه اورا بسمت منشی هیأت نمایندگی سیاسی مأمور ایران برگزید و او در ۲۸ اوت ۱۸۱۸ (۲۵ شوال ۱۲۳۳ ق.ه) بسوی ایران عزیمت کرد. بنامور Bonamour در کتابی که راجع بزندگان گریبایدوف نوشته است ، درباره این مسافرت مینویسد این سفر «يك تبعید سیاسی طولانی بود»<sup>۴</sup> و از این عبارت معلوم میشود ، دستگاه حاکمه وقت روسیه که از نمایشنامهها وانتقادات گریبایدوف راضی نبوده اند اورا باین تبعید سیاسی طولانی (از ۲۸ اوت ۱۸۱۸ تا مارس ۱۸۲۳ برابر با ۲۵ شوال ۱۲۳۳ تا جمادی الثانی ۱۲۳۸ ق.ه) فرستاده اند تا از نیش قلم اودرامان باشند .

بدین گونه ، گریبایدوف در ۲۱ اکتبر ۱۸۱۸ (۲۰ ذیحجه ۱۲۳۳) به تقلیس و در سوم فوریه سال ۱۸۱۹ ( هفتم ربیع الثانی ۱۲۳۴ ) وارد ایران شد . در این سفر ، مدتی در تبریز (ربیع الاول) و چندی هم در تهران (جمادی الاول تا شوال) توقف نمود و سرانجام در سپتامبر آنسال (ذیقعه ۱۲۳۴ ق.ه) به همراهی عده ای از اتباع روسیه از زمان جنگ اول ایران و روسیه در ایران مانده بودند به - کرجستان بازگشت .

بطوریکه دکتر تیموری در مقدمه سفرنامه خسرو میرزا نوشته است : هنگامی که گریبایدوف این مأموریت را انجام داد ژنرال یرملوف که او نیز خصومت زیادی نسبت بایران و ایرانیان داشت به وزارت امور خارجه روسیه پیشنهاد کرد که گریبایدوف را بواسطه انجام مأموریت موفقیت آمیزش مورد تشویق قرار دهند . ولی وزارت امور خارجه روسیه چون اعمال و رفتار گریبایدوف را خلاف اصول دیپلماسی میدانست پیشنهاد ژنرال یرملوف را قبول نکرد<sup>۵</sup> و این وضع ظاهراً بسبب همان بی مهری بود که دستگاه حاکمه روسیه نسبت به گریبایدوف داشته اند .

گریبایدوف ، بار دیگر در اوائل فوریه سال ۱۸۲۰ (ربیع الثانی ۱۲۳۵ ق.ه)

۳- صفحه ۱۷۹

۴- نشریه وزارت امور خارجه : شماره سوم دوره سوم شهریور ۱۳۴۵ ص ۱۲۰

بایران سفر کرد و این بار تا ماه نوامبر ۱۸۲۱ (صفر ۱۲۳۶) یعنی يك سال و ده ماه در ایران بود و در بازگشت به تفلیس بعنوان کاردار هیأت نمایندگی سیاسی روسیه که بریاست یرملوف Ermolov بایران می آمدن انتخاب شد (فوریه ۱۸۲۲ مطابق با جمادی الاول ۱۲۳۷). پس از خاتمه این مأموریت و مراجعت به تفلیس، در فوریه ۱۸۲۳ (جمادی الثانی ۱۲۳۸) به مسکو و سن پترزبورگ بازگشت. گریبایدوف در سن پترزبورگ و مسکو فعالیت های ادبی خود را از سر گرفت و نمایشنامه هائی از او در مسکو بمعرض نمایش گذاشته شد و در این هنگام است که بتألیف اثر معروف خود بنام «غم عاقل بودن» یا «بدبختی عاقل بودن» «Le malheur d. avoir de l' esprit» دست زد و بخشهائی از آن در سال ۱۸۲۴ در سالنامه La Thlie انتشار یافت.

در این نمایشنامه که بشعر بود، گریبایدوف از مسکو و از تمام شئون اجتماعی آنروز روسیه مانند ادارات و دستگاههای دولتی، ارتشی، انجمنها، مردم، خانواده ها، روابط اجتماعی، زندگی اشراف و اعیان، سیاست، ادبیات اقتصاد، ثروت، صلح و جنگ صحبت کرده بود.

«مسکو گریبایدوف» در این نمایشنامه در عین حال که به غرغه های نمایشگاهها شباهت داشت، مجموعه ای بود از آداب، رسوم، اخلاق، معاملات و طبقات مختلف اجتماع روسیه<sup>۵</sup> و نمایشنامه «غم عاقل بودن» در حقیقت پرتوی از همه چیز اجتماع آن روزی روسیه بود<sup>۶</sup> و يك چنین اثری مسلماً بمذاق دستگاه حاکمه خوش نمی آمد و احتمالاً بهمین جهت است که می بینیم در اواخر سال ۱۸۲۵ (۱۲۴۱ هـ ق) برای بار دوم، گریبایدوف مأموریت یافت که به قفقازیه بـرود ولی این بار به سابقه خدمات نظامی می بایستی در ستاد عملیات نظامی در معیت ژنرال یرملوف شرکت نماید.

هنگامی که گریبایدوف در قفقاز بود، امپراتور الکساندر در گذشت (۱۹ نوامبر ۱۸۲۵ - ۷ ربیع الثانی ۱۲۴۱) و نیکلای اول در ۱۴ دسامبر بجای او بسلطنت رسید ولی مخالفان او دست به توطئه و کودتائی زدند (۲۵ دسامبر)<sup>۸</sup>

۵- بن آموز ص ۳۰۹

۶- همان کتاب از ص ۳۰۸ تا ص ۳۴۷

که عقیم ماند و توطئه کنندگان دستگیر شدند و گریبایدوف نیز بهت شرکت در کودتای مزبور با ۱۴۱ نفر افسر و غیر نظامی بازداشت شد (۲۳ ژانویه ۱۸۲۶) و او را به سن پترزبورگ برده در آنجا زندانی کردند<sup>۹</sup> و او چهار ماه در زندان بود تا آنکه در ژوئن آن سال آزاد شد. اگر چه ظاهراً بیگناهی گریبایدوف تأیید گردید ولی پیدا بود که دستگاه حاکمه، باو اعتمادی نمی داشت بخصوص که اگر شرکت او را هم در توطئه ۲۵ دسامبر نادیده می گرفتند، عقاید او و انتقادات تندوی نسبت بدستگاه حاکمه در کتاب «غم عاقل بودن» انکار پذیر نمی بود.

در شانزدهم ژوئیه ۱۸۲۶ (۱۰ ذی قعدة ۱۲۴۱) جنگ دوم میان ایران و روسیه آغاز شد و گریبایدوف مأموریت یافت در ستاد فرماندهی قفقاز بسمت منشی سیاسی ژنرال پاسکیویچ فرمانده نیروهای روسیه انجام وظیفه نماید و او در سوم سپتامبر (۳۰ محرم ۱۲۴۲) وارد تفلیس گردید. از این پس تا پایان جنگ، گریبایدوف در این کشمکشها حضور داشت تا آنکه جنگ خاتمه یافت و معاهدات ترکمانچای که متن روسی آن بقلم و طرح گریبایدوف بود بامضاء رسید (۲۲ فوریه ۱۸۲۸ - بنجم شعبان ۱۲۴۳).

بموجب فصل شانزدهم این عهدنامه بایستی پس از تصویب و تصدیق پادشاه ایران و امپراطور روسیه عهدنامه مزبور در « ظرف چهار ماه و در صورت امکان زود تر بتوسط وزرای مختار طرفین مبادله شود». ۱۰ بدین لحاظ گریبایدوف خود مأموریت یافت که متن عهدنامه را برای تصدیق امپراتور به سن پترزبورگ ببرد.

گریبایدوف در ۱۴ مارس به سن پترزبورگ رسید و دولت روسیه به سبب توفیق بزرگی که در انعقاد عهدنامه ترکمانچای برای روسیه حاصل شده بود. از گریبایدوف تجلیل فراوان بعمل آورد و فردای آن روز امپراطور

۸- کووالوسکی P. Kovalevsky: تاریخ روسیه بزبان فرانسوی چاپ پاریس سال ۱۹۴۸ صفحه

۲۵۷ - ۲۵۸

۹- بن امور ص ۲۸۸

۱۰- ر. ک به متن عهدنامه در تواریخ دوره قاجاریه و مجموعه عهدنامهها و معاهدات ... تألیف معتمد الملک

باتشریقاتی خاص که کمتر در دربار روسیه اجرا میشد اورا بحضور پذیرفت<sup>۱۱</sup>.  
 در این شرفیابی اگرچه امپراطور به سبب توفیقی که بر اثر انعقاد عهدنامه  
 ترکمانچای برای روسیه حاصل شده بود بسیار راضی بود ولی در ضمن  
 مذاکرات خود با گریبایدوف، دریافت که میان انتظارات او و عقاید گریبایدوف  
 هنوز اختلافاتی موجود است زیرا هنگامی که امپراطور خطاب به گریبایدوف  
 گفت « من پادشاهانی را که در ایران سلطنت میکنند می شناسم . خانواده  
 قاجاریه باید بر روی تخت بمانند» گریبایدوف اظهار کرده بود « اعلیحضرتا  
 سلسله قاجاریه چندان طرف تمایل مردم ایران نیستند» اما « فوراً بخیط خود پی  
 برد . نیکلای اول به اظهار او توجهی نکرد . از جای خود حرکت کرد و  
 شرفیابی خاتمه یافت»<sup>۱۲</sup>

در این شرفیابی ، مأموریت جدیدی که طرح آن از پیش آماده شده بود،  
 بطور غیرمنتظره به گریبایدوف ابلاغ گردید و آن چنین بود که گریبایدوف  
 بایستی با سمت نماینده دولت روسیه برای اجرای مفاد عهدنامه ترکمانچای  
 و حفظ روابط سیاسی بین دولتین ایران و روسیه بایران میرفت .  
 بطوریکه از خاطرات گریبایدوف برمی آید ، او از قبول این مأموریت  
 سخت بیمناک بود و سعی داشته است بنحوی باین مأموریت فرستاده نشود .  
 وی درباره این مأموریت در خاطرات خویش، جایی که از مذاکرات خود با  
 نسلرود Nesselrod گفتگو کرده چنین می نویسد :

وزیر ابتدا بمن پیشنهاد کرد که بعنوان يك کاردار  
 بایران بروم . پاسخ دادم شایسته است آنچنانکه انگلستان  
 در ایران وزیر مختار دارد دولت روسیه نیز باید يك وزیر  
 مختار داشته باشد تا يك کام در برابر انگلیسها عقب نشینی  
 نکرده باشیم . وزیر لبخندی زد و خاموش ماند ، گمان

۱۱- بن آموز ص ۳۹۵ ومقاله آقای نواب که ترجمه روزنامه زنبور عسل طلانی چاپ روسیه است در  
 مجله یقما شماره هشتم سال ۲۲ صفحات ۴۵۳ و ۴۵۴

۱۲- مقاله آقای نواب ص ۵۰۴ مجله یقما شماره نهم سال ۲۲

می کرد که من از روی حس جاه طلبی میخواهم عنوان  
و منصب وزیر مختاری و سفیر کبیری داشته باشم و حال  
آنکه من به گریز از خطر می اندیشیدم و میخواستم شاید  
دیگری را باین مأموریت بفرستند<sup>۱۳</sup> ولی چند روز بعد  
وزیر، بدنبال من فرستاد و معلوم شد بنا بر اراده و تصمیم  
امپراتور من بوزارت مختار در ایران برگزیده شده ام و  
باید به تهران بروم. با این وصف چه میتوانستم کرد؟  
آیا به بهانه ای میتوانستم این لطف امپراتور را که شامل  
حال من شده بود نپذیرم. در این صورت آیا حق ناشناسی  
بود؟ بعلاوه برگزیدن کسی بادرجه من به وزارت مختار  
و این مقام، خود نشانه مرحمت و لطف امپراتور نسبت  
بشخص من بود اما من چنین احساس می کنم که از ایران  
زنده بر نمی گردم»<sup>۱۴</sup>

نکته دیگری را که درباره این مأموریت نباید از نظر دور داشت انتخاب  
شخصی است بنام مالتسوف Maltsov که پیش از آنکه گریبایدوف به سن پترز-  
بورگ برسد و از مأموریت خود آگاه شود، او را بسمت معاون گریبایدوف  
و دبیر اول هیأت نمایندگی برگزیده بودند و او تنها کسی بود از اعضای  
هیأت مزبور که از غائله تهران جان سلامت بدر برده است<sup>۱۵</sup> (۱) در این جا  
بی مناسبت نیست، برای اینکه معلوم شود اعزام مالتسوف در معیت گریبایدوف  
بایران امری تحمیلی بوده است، قسمتی از مقاله روزنامه زنبور عسل طلائی  
را نقل می کنیم<sup>۱۶</sup>:

۱۳- در مقاله آقای نواب هم در شرح گفتگوی نسلرود و گریبایدوف در این خصوص می بینیم که گریبایدوف  
در پاسخ نسلرود گفته بود: « امپراتور شما را برای این مأموریت انتخاب کرده اند » ، برای گریز  
از قبول مأموریت اظهار داشته بود « من یک نفر نویسنده و موزیسین هستم و نمیتوانم در ایران مصدر  
چه خدمتی میتوانم واقع شد » و باز گفته بود « اگر من قبول نکنم چه ؟ » (مجله یغما شماره ۹ سال  
۲۲ صفحه ۵۰۵)

۱۴- بن امور ص ۴۰۲

۱۵- نگارنده گمان دارد که انتخاب مالتسوف باین سمت بستگی هائی با مساله قتل گریبایدوف داشته است.

۱۶- مقاله آقای حسین نواب در مجله یغما شماره ۹ سال ۲۲ ص ۵۰۵



« گریبایدوف گفت . . . . اما راجع بخودم ، من  
 یکنفر نویسنده وموزیسین هستم ونمیدانم درایران مصدر  
 چه خدمتی میتوانم واقع بشوم . نسلرود گفت تعیین سفیر  
 باشخص اعلیحضرت است اما در صورتیکه این پست را قبول  
 بکنید ماشخصی را هم برای معاونت شما در نظر گرفته ایم  
 بعد زنگ زد مالتسوف را احضار و او را به گریبایدوف  
 معرفی کرد .

وسپس در مقاله مزبور چنین می خوانیم .

« من یعنی نسلرود دستورالعمل شمارا تهیه خواهم  
 کرد . گریبایدوف گفت دستور کار های خودم را من  
 خودم باید معین کنم . نسلرود جواب داد مقصود من خطوط  
 اصلی سیاست روسیه در ایران است . در جزئیات شما  
 میتوانید مطابق نظر خودتان عمل کنید بعد گفت ما فرض  
 میکنیم که شما موافقت دارید مالتسوف بسمت نیابت اول  
 سفارت تعیین شود . این میل اعلیحضرت است . تا بعد راجع  
 به نایب دوم فکری بکنیم .»

گریبایدوف ، بناچار بار سفر بست و در ششم ژوئن از سن پترزبورگ  
 بسوی ایران حرکت کرد و در مسکو هم هنگامی که خواهر خود و همسر او را  
 دید نتوانست نگرانی و بیم خود را از بابت سفری که در پیش داشت پنهان کند  
 و آشکارا گفت « هرگز ایرانیان او را بخاطر معاهده تر کمانچای نخواهند  
 بخشید »<sup>۱۷</sup> .

بهر حال ، گریبایدوف در بیست وهفتم ربیع الاول ۱۲۴۴ (هفتم اکتبر ۱۸۲۸)  
 به تبریز رسید و پس از مدتی توقف در آنجا ، روز دوازدهم جمادی الثانی (۲۰  
 دسامبر) بسوی تهران حرکت کرد و در پنجم رجب (یازدهم ژانویه ۱۸۲۹) به-  
 تهران وارد شد .<sup>۱۸</sup>

۱۷- بن آموز : ص ۴۰۲

۱۸- بن آموز : ص ۴۰۴ - دکتر تیموری ص ۱۲۱ - ناسخ التواریخ مجلد قاجاریه جلد نخست ص ۲۴۹

گریبایدوف ، فردای ورود خود بحضور فتحعلیشاه باریافت و اعتبارنامه خود را تسلیم نمود . سواد ترجمه فارسی این نامه که بتاریخ  $\frac{۳۴}{۱۵}$  مه ۱۸۲۸ رادارد در همان زمان ترجمه شده و بامتن اصلی روسی آن در وزارت امور خارجه ایران ضبط است و ما از دانشمند گرامی آقای دکتر حسین داودی بسی سپاسگزاریم که فتوکپی و عکس این نامه و چند سند دیگر مربوط بهمین واقعه را در اختیار ما گذاشتند . ۱۹

گریبایدوف بلافاصله پس از انجام تشریفات معرفی ، رفتاری را پیش گرفت که نه تنها برخلاف روش مسالمت آمیزی بود که دولت متبوع او لازم میدانست بلکه با اقدامات خشونت آمیز و متکبرانه خود «شاه و درباریان و رجال دولت تا مردم کوچه و بازار تهران را مرعوب و ناراضی و خشم آلود ساخت» .

از جمله اقدامات نابجای گریبایدوف این بود که مخالفان دربار و دولت را برضد دولت ایران ترغیب و تحریک میکرد و قزاقان او در کوچه و بازار بمردم بدبانی و اهانت مینمودند . مسأله دیگری هم که دست آویز گریبایدوف شده بود و ایجاد زحمت میکرد و سرانجام نیز سبب بروز غائله عوام تهران شد ، موضوع زنان ارمنی و گرجی بود که مسلمان شده و بحکم شرع اسلام در خانه بعضی از اعیان و رجال ایرانی بسر میبردند و گریبایدوف بعنوان اینکه اسرای روسی میباشد باستناد و مفاد ماده سیزدهم عهدنامه ترکمانچای آنها را مطالبه مینمود و حتی در این باره اصرار و خشونت را بجائی رسانید که کسان خود را بخانه ایرانیان میفرستاد تا زنان خانه را ببینند و آنهائی را که از نژاد ارمنی و یا گرجی هستند بسفارت روس ببرند ۲۰ و این رفتار که مخالف سنن و رسوم ایرانیان و برخلاف قوانین و شرع اسلام میباشد موجب تحریک احساسات عامه شد و مردم تهران بر رهبری میرزا مسیح مجتهد بسفارت روسیه حمله بردند و در زد و خوردی که میان آنها و کسان سفیر روی داد ، کلیه اعضای هیئت سفارت بجزیک تن که هالتسوف دبیر اول سفارت بود بقتل رسیدند .

۱۹- ر . ک به پایان این مقاله سند شماره ۱

۲۰- در این باره رجوع کنید به تاریخ نو تألیف جهانگیر میرزا ، چاپ عباس اقبال آشتیانی ص ۱۲۱

خبر این قضیه روز ۱۳ شعبان (۱۲۴۴) با فرمانی از فتحعلیشاه که عباس میرزا نایب‌السلطنه نوشته شده بود<sup>۲۱</sup> به تبریز رسید و نایب‌السلطنه بعد از دریافت خبر قتل گریبایدوف، میرزا مسعود را مأمور کرد بتفلیس رفته حقیقت قضیه را که مالتسوف در تهران نزد شاه و اولیای دولت در تبریز در حضور نایب‌السلطنه اظهار کرده و بر بیگناهی اولیای دولت ایران شهادت داده بود<sup>۲۲</sup> باطلاع پاسکیویچ برساند و آمدن شاهزاده محمد میرزا و قائم مقام را برای عذرخواهی اطلاع دهد و بعد باستصواب پاسکیویچ، این هیأت بانامه‌ای از طرف عباس - میرزا<sup>۲۳</sup> بدربار امپراتور رفته بیخبری و تأسف دولت ایران را آشکار نمایند<sup>۲۴</sup> ولی اندکی بعد از وقایع مزبور، از فرستادن محمد میرزا و قائم مقام انصراف خاطر حاصل گردید و قرار بر این شد خسرو میرزا پسر دیگر عباس میرزا نایب‌السلطنه در معیت هیأتی عزیمت نماید.

شرح جزئیات این مأموریت در سفرنامه میرزا مسعود که پیش از این به تفلیس رفته بود بتفصیل آمده است و ما از ذکر آن خودداری میکنیم همینقدر کافیت بدانیم خسرو میرزا با گرمی بسیار در دربار روسیه پذیرفته شد و در ملاقاتی که روی داد (یکشنبه ۲۲ صفر ۱۲۴۵) امپراتور نسبت بخسرو میرزا مهربانی بسیار کرد و در این ملاقات مبلغ یک کرور تومان از غرامات جنگی را که دولت ایران بموجب معاهده ترکمانچای می‌بایستی بپردازد بخشید و در نامه‌ای که عباس میرزا نوشت چنین تأیید کرد:

«بناء علیه، ورقه علیحده بدستخط خود نوشتیم  
از مبلغ معینه که قرض دولت ایران است موافق مصالحه  
منعقدہ در ترکمانچای که در عهد نامه بین‌الدولتین روس

۲۱- ر. ک به سفرنامه میرزا مسعود در نشریه وزارت امور خارجه ص ۱۸۲ - ۱۸۴  
۲۲- ر. ک به ترجمه کتاب « درگشت وزیر مختار » در نشریه وزارت امور خارجه شماره سوم دوره سوم ترجمه زین‌العابدین روشنی ص ۳۷۴ - ۳۷۵  
۲۳- متن این نامه که بقلم میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام بوده در سفرنامه میرزا مسعود ضبط است :

ص ۱۸۵ - ۱۸۶

۲۴- سفرنامه میرزا مسعود باهتمام دکتر تیموری در نشریه وزارت امور خارجه .

وایران مندرج است مبلغ يك كرور گذشت نمودم مابقی را مهلت دادم که بمدت پنجسال کارسازی نمایند . شما را لازم است که اولاً از صرافت پریشانی قضایای گذشته بیرون رفته اساس قانون دولتی را در تحت يك نظام مربوط در آرید که سلسله انتظام امور دولتی شما از هم گسیخته نگردد.. برای نظم امورات مملکتی و دولتی هر گونه احتیاجی داشته باشید از طرف ما بهیچوجه از معاونت و مدد مضایقه نخواهد شد» ۲۵

از آنچه گفته شد چنین برمی آید. گریبایدوف بعزت داشتن افکار آزادی-خواهی و نمایشنامه‌های اجتماعی و انتقاد آمیزی که مینوشت مورد مهر دستگاہ حاکمه روسیه نبود و بهمین واسطه هم در ظاهر بعنوان يك مأموریت سیاسی به قفقاز اعزام شد (۱۸۱۸ تا فوریه ۱۸۲۳) و در حقیقت این مأموریت يك تبعید طولانی بود ۲۶ ولی او در بازگشت بروسیه باز بنشر افکار خود پرداخت و نمایشنامه «غم عاقل بودن» را که بی گمان حاصل تفکر و اندیشه‌های دوران تبعید او میبود منتشر کرد (۱۸۲۴).

دستگاہ حاکمه روسیه از تأثیر نوشته‌های انتقادی و صریح گریبایدوف بهیچوجه غافل نبود زیرا نمایشنامه‌های گریبایدوف هر يك بنحوی عامه مردم را از فشار و زوری که بر ملت تحمیل میشد و فساد دستگاہ حاکمه وقت و جامعه اشراقی آن روز واقف و آشنا مینمود و مردم علاقه و اشتیاق بسیار به آثار گریبایدوف از خود نشان میدادند چنانکه هنگامی که در سال ۱۸۲۴ کتاب «غم عاقل بودن» او بچاپ رسید و از طرف دولت ، نسخ آن توقیف و جمع آوری شد ، مردم نسخه‌هائی خطی از آن تهیه میکردند و بدین ترتیب در حدود چهل هزار نسخه از آن رونویس شده بود ۲۷ و این رقم که تا آن زمان برای هیچ اثر چاپی هم سابقه نداشت

۲۵- اسناد رسمی در وزارت امور خارجه ایران . برای متن کامل این نامه به سند شماره ۵ و عکس آن در پایان این مقاله رجوع نمائید .

۲۶- بن امور نیز این مأموریت را « يك تبعید سیاسی طولانی » خوانده است (ص ۱۷۹)

۲۷- همان کتاب صفحات ۱۳ و ۲۰۸

خود میرساند که مندرجات و موضوع و مضمون آن تاچه اندازه در روح و دل مردم روسیه اثر کرده بود و در آن کتاب چگونه از زبان دل مردم صحبت شده بود این است که بار دیگر گریبایدوف را بمأموریت قفقاز میفرستند (اواخر سال ۱۸۲۵) ولی چندماه بعد بجرم شرکت در توطئه و کودتائی که در ۲۵ دسامبر برضد امپراتور نیکلای دوم بوقوع پیوست گریبایدوف را نیز دستگیر و به سن پترزبورگ بردند و در آنجا مورد محاکمه قرار گرفت و پس از چهار ماه که زندانی بود ظاهراً بسبب بیگناهی ولی احتمالاً بمناسبت مقتضیات وقت آزاد گردید (ژوئن ۱۸۲۶) و چون بودن او را علی‌الاصول در صلاح نمیدیدند و مقارن این احوال هم جنگ ایران و روسیه آغاز شده بود، باز مأموریت یافت خود را در ستاد فرماندهی قفقاز معرفی نماید و باین ترتیب برای بار سوم او را از سن پترزبورگ دور کردند. بدین ترتیب می‌بینیم در همه حال دستگاه حاکمه روسیه سعی داشته است گریبایدوف دور از پایتخت باشد.

در این سفر، گریبایدوف در عین گرفتار بهای زمان جنگ ایران و روس و با وجود نثشی که او خود در انعقاد عهدنامه بین دو دولت ایفای کرد، هر لحظه فرصتی مییافت به فعالیت‌های ادبی خود می‌اندیشید و طرح نمایشنامه‌ای بنام «رادامیست و زنونبی» *Rhadamiste et Zénobie* که یک تراژدی سیاسی بود در همین روزها ریخته شد و چون به سن پترزبورگ آمد نمایشنامهٔ خود را بمعرض نمایش گذارد.

در این نمایشنامه، گریبایدوف از اوضاع دربار ایران شامل مطالبی مربوط به شکل و رنگ لباس، رسوم و عادات و اخلاق درباریان، حرمسرا و خواجه سرایان و همچنین از یک توطئه عمیق گفتگو کرده بود<sup>۲۸</sup> و در خلال تشریح توطئه مزبور و بیان دسیسه بازیهای درباریان، به کودتای دسامبر روسیه نیز نظر داشت. بعلاوه آنکه ضمن تشریح رفتار هیأت حاکمه و بخصوص جائی که گفته بود «آنچه در طرحها و اقدامات آنها جائی و نقشی ندارد مردم است»<sup>۲۹</sup>

۲۸- بن آموز: ص ۴۰۱

۲۹- بن آموز: ص ۴۰۲

گریزی بوضع دربار روسیه میزد و داستان توطئه‌ای که در دربار ایران بوقوع می‌پیوست اشاره به کودتای دسامبر ۱۸۲۵ بود.<sup>۳۰</sup>

تردید نیست نمایش این نمایشنامه با سوابقی که گریبایدوف داشت بمذاق و میل دستگاه حاکمه روسیه خوش نمی‌آمد و تعیین او بمأموریتی بس خطرناک یعنی بعنوان سفیر روسیه در دربار ایران بعد از معاهده ترکمانچای نیز بهمین سبب بوده‌است زیرا قابل قبول نیست که سیاستمداران و دولت روسیه با علم به سابقه رفتار و سختگیریهای گریبایدوف در امور ایران و باوقوف کامل از ناراضی بودن ایرانیان از معاهده ترکمانچای<sup>۳۱</sup>، باز او را بسفارت به ایران و به میان همان مردم بفرستند، خاصه که میدانستند گریبایدوف مردی خشن، سختگیر، متکبر و مغرور بود و مردم آسیائی را وحشی و بی‌تمدن دانسته و معتقد بود با آنها، با خشونت باید رفتار نمود، مگر اینکه بپذیریم، دستگاه حاکمه روسیه از اعزام گریبایدوف بایران قصد داشته‌است شرا را از سر خود کوتاه کند بخصوص که دیدیم گریبایدوف خود نیز از این مأموریت سخت بیمناک بود و کوشش و تلاش بسیار داشت از این سفر معاف گردد.<sup>۳۲</sup>

بنابراین میتوان گفت که دولت ایران و مردم تهران در ایجاد غائله قتل گریبایدوف دخالتی نداشته و مردم تهران بطور غیر مستقیم تحت تأثیر تحریکات قرار گرفته و آلت دست شده بودند. قرائن دیگری هم این نکته را

۳۰- همان کتاب : ص ۴۰۱

۳۱- امپراتور در ملاقات خود با گریبایدوف گفته بود « من میترسم که ما در مورد ایران خیلی سختی کرده کرده باشیم و این سختیها موجب عدم رضایت ملت ایران گردیده باشد » (مقاله آقای نواب ص ۵۰۴ و ترجمه کتاب درگذشت وزیر مختار در نشریه وزارت امور خارجه شماره ۳ دوره سوم)

۳۲- ر . ک به ص ۲۶۱ و ۲۶۲ همین مقاله

تأیید میکند و از آن جمله است: لحن ملایم نامه‌های امپراطور که به فتح‌علیشاه و عباس میرزا نوشته (سند‌های ۳ و ۴) و در آن از یک گذشت بی حد و حصرو و از بی‌تقصیری ایران سخن رفته است<sup>۳۳</sup> و حال آنکه اینگونه رفتار در هیچ زمانی از جانب روسها سابقه نداشته و قبول آن، با آن خشونت ذاتی روسهای تزاری و نقشه‌های وسیعی که درباره ایران داشت پذیرفتنی نیست مگر آنکه قبول کنیم نقطه ضعفی در کارشان وجود داشته است. ثانیاً چگونه میتوان باور داشت دولت و مردم کشوری در قتل سفیر و ۳۷ تن از اتباع دولت مقتدر دیگری دست داشته باشد و با وجود این تقصیر، بهنگام ملاقات با اولیای آن دولت، کاهش و بخشش مبلغی بدهی‌های خود را نیز خواستار شود<sup>۳۴</sup>؛ مع هذا باید در انتظار کشف اسناد دیگری باقی ماند تا از روی چهره واقعی این راز تاریخی پرده بردارد.

۳۳- در نامه‌ای که امپراتور به عباس میرزا نوشته است، چنین می‌خوانیم: «بی‌شک پسر شما، بشما باید واضح کرده باشد از بابت آن واقعه‌ای که در طهران اتفاق افتاده بود و من او را بکلی فراموش کردم زیرا که دولت علیه در این مقدمه بی‌تقصیر بود.» (سند شماره ۴ در همین مقاله).

۳۴- در دستورالعملی که در این سفر به امیر نظام از ملتزمین رگاب خسرو میرزا داده شده بود چنین می‌خوانیم: «سادسا در باب دوگروور باقی ده‌گروور که در عهدنامه مسطور است، جنرال آتشف خود انصاف خواهد داد که منظور این بود که هنگام ملاقات ولیعهد ایران با امپراطور اعظم، گلشت ملوگانه درین باب شود. بعد که رفتن ولیعهد را مصلحت ندانستند همچنین باقی ماند. خواهش اولیای دولت ایران از جنرال آتشف که واسطه مصالحه بودند و خیر خواه هردو دولت میباشند این است که چون وعده این تنخواه نزدیک شده و رفتن ولیعهد بخدمت امپراطور اعظم تاخیر یافته نوعی نماید که فوق طاقت دولت ایران نباشد.» (مجموعه خطی منشآت قائم مقام در کتابخانه مجلس) و بعد هم درسند های ۴ و ۵ همین مقاله می‌بینیم که امپراطور یک‌گروور را تخفیف داد و مهلت پرداخت بقیه را هم تمدید نموده است.

اینک به نقل چند سند مربوط به واقعهٔ گریبایدوف که تا کنون درجائی منتشر نشده و از آنها در این مقاله ذکر می‌بمیان آمده است<sup>۳۵</sup> و چنانچه فرصتی بدست آید اسناد دیگری را دم که دربارهٔ همین موضوع و بتدریج فراهم آورده‌ایم (در حدود یکصد سند) بچاپ خواهیم رسانید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۳۵- این اسناد همان‌هایی هستند که بلطف دانشمند ارجمند آقای دکتر حسین داودی دواختیار ما گذاشته شده است و ما در ابتدای این مقاله از آن صحبت کردیم.



## سند شماره ۱

### نامه امپراتور روسیه به فتحعلیشاه

#### بعون عنایت الهی

مانیکولای اول امپراتور و مالک بالاستقلال کل ممالک اروسیه و مسکو و کیو  
 و ولادیمیر و نوغورود، شهر یارقازان و حاجی ترخان و پولشه و سبیر و خرسون  
 و اوربچسکی، پادشاه پسکو و کنسیاز سیمولنسکی و لیدواسکی و وولنسکی  
 بودولسکی و فیلاندرسکی، کنسیاز اسلاندرسکی و لیفلاندرسکی قورلندر  
 و سیمیفالسکی و ساموقیدسکی و بیلوسدوسکی و قوریلسکی و بیلوسدو کسکی  
 و طویرسکی و بو قورسکی و بیرمسکی و یدسکی و بولقارسکی و سایر پادشاه  
 و کنسیاز اعظم نوغورود و اراضی نیزوسکی و چرنی قوسکی و زرانسکی و پولوسکی  
 و روستوسکی و یاروسلاوسکی و بیلوزیرسکی و اودورسکی و اوبدروسکی و  
 قوندیسکی و ویدیسکی مسیتولاوسکی و تمامی جوانب شمال، پادشاه امر فرمای  
 ایویری، کارتیل و گرجستان و اراضی قبارتو و ولایات آرامنه و چرکس و  
 تاوادیهای جبال و داغستان و سایر پادشاه و مالک موروثی ولی عهد نورویژسکی  
 غیر سوق شلیزویق قولسدینسکی و استور مانیسکی و دیدمارسین اسکی و  
 اولدین بورق اسکی و سایر و سایر و سایر . . .

در جوانب شرقیه باعلی حضرت کیوان رفعت و الاسیر اعظم القدرت و شوکت  
 و اکبر المنزلت و جلالت مالک بالاستقلال رأی و اختیار سروران عظام قدیم  
 ممالک ایران شهریار ذوی الاحترام و الشأن ارفع سلاطین ملت محمدیه،  
 فرمانفرمای اهالی کثیر جوانب شرقیه همسایه نیک ما، شاه اعظم شوکت انتباه  
 فتحعلی شاه تهنیت و مبارکباد دوستانه مینمائیم که بنا بر عهود مصالحه که در  
 قریه ترکمان چای به احسن الوجه صورت استقرار و تصدیق یافته است و جهت  
 درست معاونت در حفظ و تصدیق مرابط دوستی و ولا که با همین عهود لایقه  
 یادداشت ابدی تازه گشته است ماعین خیر و خوب دانستیم که بجهت توقف در

در گاه آن شاه اعلیحضرت، وزیر مختار تعیین گردد لهذا حبیب صادق و معتبر ما اسطاسکی سویطنیک و صاحب حمایل، گربایدوف را تعیین نموده امیدوار می باشیم که این معنی را در اثبات مراعات صادقانه ما و در اعانت و اهتمام تطویل مراتب علاقه آمدورفت نه تنها فیما بین ما، بل در میان اهلالی جانبین که بنا بر حکمت الهی فکر گذاری ایشان بر ما محول شده است خواهشمند هستیم. البته آنحضرت حاصل و قبول خواهند نمود. در اینصورت آن اعلیحضرت ملاحظه خود را در باب مطالبی که وزیر مشاور مشارالیه بروفق بنسای شروطی که صریحاً مشابه با عهدنامه مصالحه بوده و با داده شده و عرض و بیان خواهد کرد، دریغ نخواهند فرمود و نیز آنحضرت بتوسط وزیر مشارالیه ارسال رسایل دوستانه به نزد ما که همسایه نیک میباشیم در باب خواهشی که انجام آن متعلق بر ما تواند بود معلوم خواهند داشت. در همه اوقات اظهار مراتب دوستی برای ما باعث حظ و خوشنودی خواهد بود. از جناب الهی درخواست مینمائیم که تبارک آسمانی خود را در ربط دوستی ابدی ما شامل داشته باشد و مع هذا دعا مینمائیم که بآنحضرت و به خلف ارجمند و ولی عهد خود شاهزاده عباس میرزا عمر طویل و صحت جزیل و پیشرفت امور نیک کرامت فرماید. در اختتام این، مجدداً در باب علاقه دوستی برادرانه نیک سایه که ما آنحضرت را مطمئن میسازیم داده شد. در معسکر ساطونوف بتاريخ سیوم ماه مایس سنه ۱۸۲۸ مولد حضرت عیسی در سال سیم جلوس ما. *رسال جامع علوم انسانی*

در اصل این به خط مبارک حضرت ایمپراطور اعظم مرقوم شده است.

نیکولای

ملاحظه نمود. ویس کانسلار غراف نسلرود

صند شماره ۲

نامه پاسکویچ به فتحعلیشاه

معروض رأی شوکت آرای اعلیحضرت کیوان رفعت خورشید رایت شهریار کامکار خسرو نامدار ارفع سلاطین ملت محمدیه صم فرمانروای ممالک

شرقیه که خورشید عدل و احسانش روشن بخش ساحت آمال خلائق بشمار و فرق فرقدان سایش زینت افزای افسر سلطنت و اشتها راست مالک بالاقنذار ممالک ایران، السلطان المؤید فتحعلیشاه قاجار خلدالله ملکه و سلطانه میدارد که رقیمه همایون شاهی واصل و از مضامین آن کمال استحضر حاصل گردید که آنحضرت کمال مساعی و اهتمام مبذول می فرمایند درینکه رفع این غائله معلوم بشود و برای انجام این مرام میخوانند که مخلص چار[ای] از این بهترو تدبیری باراده اعلیحضرت امپراطور عظیم ازین موافقتی ندانست که نواب امیرزاده کامکار خسرو میرزا را روانه دارالسلطنه پترزبورغ نماید و این کار اولین آن او امر است که دولت ما مطالبه می نماید و بسبب تنبیه مرتکبین این ظلم نیز کسی مثل آنرا ننشیده منتهای عدالت حضرت باشوکت شاه اعظم و اینکه درحفظ شروط عهدنامه مبارکه که در میان این دو دولت موجود است از هیچ کاری مضایقه نفرمودند بهمه عالم ظاهر و ثابت خواهد شد و دولت روس درین باب غیر از این دو تکلیف ندارد و باین وسیله راه چاره بدخواهان از شهرت دادن اینکه مصالحه و دوستی علیتین را مجال اختلال هست مسدود خواهد گشت و از حضرت شاهی نامه دوستی ختامه مشعر بر مراتب عذرخواهی بحضور پادشاه اعظم ماقلمی کشته باید ارسال شود که به تعجیل در راه بنواب امیرزاده برسد تا وقت ملاقات بنظر امپراطوری برساند باقی با کمال ارادت و حسن اخلاص در مقام اعزاز و تکریم گذاری و دولتخواهی آماده هستم.

فرمان فرما جنرال آجودان گراف پاسکویچ ایروانی

۲۰ ذی قعدة ۱۲۴۴

### ممنك شماره ۳

#### نامه امپراتور روسیه به فتحعلیشاه

نامه که اعلیحضرت نیکولا امپراطور روسیه در باب ایلچی گری خسرو میرزا بخاقان مغفور نوشته در باب قتل وزیر مختار روسیه .

بلطف پروردگاہ مانیکولای اول امپراطور و اختیار دار کسلروسیه مسکوس کی، دلادی، میرسک، پادشاه قازان، پادشاه، حاجی ترخان، پادشاه پلشا، پادشاه سبیریہ، پادشاه س کادس کی و شاهزادہ اعظم سمانسکی، لی تادس کی، پادلس کی، دفین لینداسکی، شاهزادہ اعظم اسلنداسکی، لیفلینداسکی و سمی کالسکی، سما کیدس کی، بالاس ما کس کی، کرنس، کی، طورس کی، یو کازس کی، پرس کی، بل کارس کی و غیرہ پادشاه و شاهزادہ اعظم ناد کراد، چرلی کو کس کی رزانس کی، پالاس کی، به لرزس کی، اودرس کی، آب درس کی، کان دیس کی دی طپس کی، مس تی سلا دس کی و فرمایش کننده سمت شمالی و پادشاه ایروس کی، کرتینس کی، کردزینس کی، کرسا کت شلزوفک کل تینس کی، سرمارنس کی دیت مارنس کی، الام پر کس کی و غیرہ و غیرہ باعلی حضرت همجوارها فتحعلیشاه سلام دوستانه امپراتوری باد .

نامه شما و گفتگوی نوه شما محبوب ما خسرو میرزا بکلی بر طرف کرد خیالات ما را از بابت واقعه ای که در طهران اتفاق افتاده بود و تعیین این ایلچی باعث خوشوقتی ما باشد و دانشمندی خسرو میرزا این کار را که عقبه بد داشت بکلی بر طرف کرد و ما او را بکلی فراموش کردیم و امیدواریم که دوستی و یگانگی که فیما بین ما بوده همیشه برقرار باشد خصوص از اهتمام پسر محبوب شما عباس میرزا که در آذربایجان همجوار روسیه است و او را شما ولیعهد دولت قرار داده اید و ما هم او را در حضور کل عالم قبول کرده ایم ما نمی توانیم که از اعلی حضرت شما پنهان کنیم که چقدر هادل ما از وزارت شما رنجیده بود که سعی می کرد این اتحاد را بکلی بر طرف نمایند ما از سرباز ایرانی که داخل بلوک قفقازیه شده بودند خونی نداشتیم ولی افسوس میخوردیم که سلطنتی که بسته شده است از پلتیک مشورتخانه ما با میل خودش چگونه میخواهد خود او تلف کند اغتشاشی که در طهران اتفاق افتاده بود لازم گردید که بفرمائیم هر قدریکه لشکر لازم است از داخل روسیه بسمت قفقازیه بفرستیم نوه شما آنها را در بین راه ملاحظه کرد و بجهت فرستادن آنها

مخارج کلی شد با وجود اینها، یک که در فوق گفتیم مکرر می کنیم که آن واقعه را ما بکلی فراموش نمیکنیم مخارجی که در جنگ عثمانی کردیم البته از برای ما ضرری بود مخالف طبع ما و حالا آن ضرر را هیچ ملاحظه نکرده خوش حال هستیم که دولت ایران برقرار و خوشوقت باشد ما امیدواریم که میل اعلیحضرت شما و وزارت شما همیشه بر این خواهد شد که دوستی و اتحاد همیشه فیما بین منظور و برقرار باشد و از خدا خواهش داریم که حیات شما را بجهت خوشوقتی رعیت خودتان محفوظ دارد اگر چه شاهزاده خسرو میرزا در اندک مدتی مراجعت خواهد کرد و اینها که فوق نوشته شده است بشما معلوم خواهد کرد ولیکن ما لازم دانستیم که این نامه اتحاد و یگانگی را باعلیحضرت شما ارسال داریم بدستیاری اجزاء امپراطوری ما جنرال مایور کن ماس دل کرد کف مایلیم که بدولت ایران واضح کنیم که ما باهم گفتگوی خود را به نیکی تمام کردیم در [-] ۱ پطرس بورك در سیزدهم ماه سن تی آبر ۱۸۲۹ مسیحی در سال چهارم از سلطنت ما نوشته شد .

در حاشیه نوشته شده است : ترجمه چا کرد در گاه آبکار مترجم

### حکومت شماره ۴

#### نامه امپراطور روسیه به عباس میرزا نایب السلطنه

ترجمه نامه اعلیحضرت نیکولای اول در باب قتل وزیر مختار خود بولیمهد سرور طاب ثراه

بلطف خداوند ما نیکولای اول امپراطور کل روسیه و غیره و غیره و غیره بشاهزاده محبوب ما عباس میرزا ولیمهد دولت علیه ایران کاغذ شما را که بدستیاری خسرو میرزا فرستاده بودید بمن رسید بی شک پسر شما باید واضح کرده باشد در باب آن واقعه که در طهران اتفاق افتاده بود و من او را بکلی فراموش کردم زیرا که دولت علیه در این مقدمه بی تقصیر بود و آن مطالبی که شما بسفارت مخصوص خودتان سپرده بودید آن سفارت در بابت مطالب شما

با وزارت ما گفت و شنید کردند و گفتگوی ایشان تمام شد ولی چون خداوند بشما خودتان عقل کاملی عنایت فرموده می‌فهمید که بعد از کشتن از برمن در طهران من چه قدرها سکوت کلی کردم و حال که این گفتگو اتمام پذیرفت لزومی ندارد که دولت روسیه از اختیارات خود بکلی دست بکشد بخصوص که من علاوه می‌کنم بر این واقعه وقتی را که فهمیدم که در جنگ گذشته روسیه با دولت عثمانی بزرگان ایران که همجوار دولت عثمانی بودند برخلاف دوستی و اتحاد که در میان من و والد شما بود همیشه با آنها کمک میکردند حالا بدولت ایران لازم است که آن اطمینانات سابقه که من نسبت بدولت ایران داشتم دوباره در کمال استقرار نگهداری نمایند و آن فصولی که در عهدنامه نوشته بودند معمول دارند من حالا فرمودم که آن دو کروری که از قرار عهدنامه ترکمان جای باید دولت ایران بدهد یکرور را باید حالا بدهد و یکرور دیگر تا پنجسال دیگر باید داده شود ولی بمن بهتر واضح است حال دولت ایران که نه از آن پولی که دولت ایران باید بدهد و نه از آن پولی که داده شده است دولت ایران را قصوری وارد خواهد آمد یا زور او را کم میکند و یا آسودگی در او کمتر می‌شود بلی دولت ایران را قصور واقع می‌شود از بابت اغتشاش ملتی که در میان خود ایشان واقع شده است از بابت برطرف کردن این اغتشاش و خوشوقتی و آسودگی ملت و دولت شما باید کلیتاً سعی بکنند که تبعه خود را مطیع خود آند و تجاری که از هر طرف وارد خاک ایران می‌شوند خود و مال آنها را حفظ کنند در [-] <sup>۱</sup> پطرس بورك در ۱۲ ماه اکتوبر ۱۸۲۲ مسیحی از سال سلطنت ما سال چهارم است.

در حاشیه نوشته شده است: ترجمه بنده در گاه‌آبکار مترجم

## سند شماره ۵

نامه امپراطور روس به عباس میرزا نایب السلطنه

هو

نمره

۶

ترجمه نامه اعلیحضرت امپراطور روس

از فضل نامتناهی خود حق سبحانه تعالی کرامت فرموده است بمائیکولای اول سلطان غالب قاهر امپراطوری و سلطنت کل ممالک روسیه و غیره و غیر [ه] و غیره را در بهترین زمان نامه و لیمعهد دولت ایران وارث تاج و تخت کیان مسند نشین سلطنت عظاما واصل و از قضیه طهران و پریشانی آن مملکت استحضار حاصل نمودیم. نواب خسرو میرزا شرحی ازین مراتب شفاهاً تقریر نمود محض لیاقت و شایستگی نواب مشارالیه و نسبت بولیمعهد سلطنت ایران لازمه توقیر و احترام را درباره نواب خسرو میرزا بجا آوردیم بدرجه ای که در ممالک روسیه شایستگی شأن و شرف معزی الیه را کماینیق [؟] مشتهر ساختیم بقسمیکه در احترامات و تشریفات نواب معزی الیه فرو گذاشت نکردید. فی الواقع شایستگی بجا و لیاقتی بسزاداشت و چنانچه از اخلاق حمیده و صفات پسندیده و آداب حسنه مادام التوقف در نزد ما از حسن سلوک بگفتار دلپذیر و تقریرات عاقلانه دلنشین خاطر ما را خورسند و وادار برأفت و مهربانی و مؤدت فیما بین نمود بناء علیه ورقه علیحده بدستخط خود نوشتیم از مبلغ معینه که قرض دولت ایران است موافق مصالحه منعقدہ در ترکمان چای بین الدولتین علیتین روس و ایران مندرج است مبلغ یک کروور تومان گذشت نمودم و مابقی را مهلت دادیم که بمدت پنج سال کارسازی نمایند. شما را لازم است که اولاً از

صراحت پریشانی قضایای گذشته بیرون رفته اساس قانون دولتی را در تحت يك نظام مربوط دارید که سلسله انتظام امور دولتی شما از هم گسیخته نگردد. نصایح مشفقانه ما به استقلال و استقرار سلطنت شما خواهد افزود در صورتیکه وضع قانون نظامیه شما در تحت يك اصول مدنیت منتظم گردد برای نظم امورات مملکتی و دولتی هر گونه احتیاجی داشته باشید از طرف ما بهیچوجه از معاونت و مدد مضایقه نخواهد شد بعون الله تعالی همیشه در تحت حمایت و حفظ و حراست خداوند سبحان جل شانه بوده باشید. از جانب خیر خواهانه ما ترقیم یافت در دوازدهم اکتوبر در سنه ۱۸۲۹ در سال چهارم سلطنت ما در پترزبورغ مطابق سنه ۱۲۴۴ هجری در زیر نوشته شده است: ترجمه بنده در گاه میرزا هارطون

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



لعون عمایب الہر

مائیکو لار اول امپراٹور و مالک مالک استقال علی خاک روسیہ و سکوکو و ولادیمیر

شہیار تازان و ماجرتخان پولشہ و سیر و نرسون و اورشکی پادشاہ کونسیو

دایو اسکی و ونسکی و بلوورسکی و فیلائسکی کنسیار اسلامسکی و ایفلائسکی و تولدسکی

وسیناسکی و سامویڈسکی و ییلوسسکی و قورسکی و پلوسسکی و ولویسکی و پلوسسکی

و پیرسکی و ویسکی و بلوٹارسکی و سیر پادشاہ کنسیار اعظم نوخو رہو و در انھی نیرسکی و

چرنی تو سکی و رزانسکی و پولوسکی و روسسکی و یاروسلاو سکی و ییلو برسکی

و دادورسکی و او بدورسکی و قونیه کی و دودیه کی مستورا و سکی و نامی جو ایشانک پاشا و امیر فزای ابو بریه کارمیل و کربستان

و از اضفی قبا ر نو و ولایات ارمنه و چرس و نادر ادا با اجمال و دو آستانات و سایر پادشاه و مالک ممر و نو و لا عهد

نور ویشکی غیر سون شیدزینی و کتله بنکی و اسنور مار بنکی و دودیه مار سبن اسکی و اولدین لورق اسکی

سایر و سایر و سایر

در جو ایش شرقیه با علی حضرت کیوان فعت و الا سایر اعظم القدرت و سوت و اکبر المهرت و جلالت

مالک بلا س تقال را و ایشا بسیار شروان اعظام قدیم محالیکه ان شهر بار و دور الاحرام و ایشان ارفع <sup>طلان</sup>

رتال جامع علوم انسانی

ملت محمدیه فرمان خوار انا لیکتر جو ایش شرقیه سیه بیک ماشه اعظم سوت ایشا فحش است نهیت

و مبارکباد و دوستانه فرمایم که بنابر همو مصالحه و در قریه نریمان جاریه حسن الوضو صورت استقرار و تهدیتی

یاخته است و جهت دست معاونت در حفظ و تصدیق مرابطه و سرتور و لاکه با بیان عموم لایحه یا و در

ابدر تازه گشته است ماعین خیر و خوب در سیم بر جمله توقف در درگاه ان شاه آیت علی

وزیر مختار تعیین کرد و اندر حسیب مصالفا و معتبرا ما اسطاسکی سواد الفینک و صاحب جمالی کر بایند

تعیین نموده امیدواریم بر این معنی را در اثبات مراعات صادقانه ما موراعات

و اسامی اولی مرتب علاقه اند و رفت نه تنها فها این مایل در میان اما اجانبین که بنا بر حکمت امر

مگر که در ایشان بر ما محمول شده است خواسته میبست البته انجمن است حاصل و قبول خواهند

در این صورت ان انجمن است ملاحظه نمود لا در باب مطالبی در وزیرش رایه بروقی بنا شد و حال که

صیر کامناب با عهد نامه مصالحه لغوه و با و دلوه شده عرض و بیان خواهد که در بیع نه خواهند فرمود

و نیز اکثر بتوسط وزیرش رایه ارسال رسایل دوستانه به نزد مآد سید نیک مریشیم در باب خوشی

انجام آن متعلق بر ما تواند بود معلوم خواهد داشت در همه اوقات اظهار تائب و دوستی را با رعایت حط و

خوشنوی خواهد بود از جناب آله در جرات می نمایم و تبارک سمانه خود را در رابطه تمیز با ما نشان مل و کشته

و مع هذا و محامیر نام و بان حضرت و خلف از بند و و اعهد خود را لوی عباس میرزا عمر طویل و صحت جزید

و شرف امور نیک فرات فرمایم در احوال این مجدد در باب علاقه از سر بر آورده و یک سیه در مان

مطین در سربزم دلگوشه در مسکن طائف بنای سیوم ماه ایس ۱۲۲۱ موله چهارم شمس در سربزم

بنای علم انسانی

در اصل این خط مبارک حضرت بکر انوار اعظم مرقوم است چند

سنگولای

ملاحظه نموی و لیس کاف در غرض لیس

معروض شرکت آرای ابو حضرت کبر ان رخت خوشبید رایت شهر بار کا مکا خسر و نامدار رقع طمان

مت محمد به رض ان روار مالک شرقیه که خوشبید عدل و انجاش رو خوشبید سات اهل غلابی مشاک

دوق فرقدان ریش زینت افرا از سلطنت و اسما مالک بالا قدر محاکم ایراک سلطان

قاجا رفند اله ملکه و سلطانیه مردارو که زینت چهارین شهر و مهر و زردضایین آن کمال تنخصا صاحب کردی که

انصرت کمال ماعرو و اهتمام بند دل مرفع بند در بنجه رقع این غایده معلومه بشود و برابر انجام این مرادم

که نخلص ترب و ساید لازمه درین باب کرده باشد نخلص چاره ازین بهترند پر بار داره ابو حضرت امیر المومنین

مراقت زینت که لاتب امیر زاده کامکار خسر و میر زار در دونه دار سلطنتی پطر بورخ نماید و این کار اولین آن

که دولت نامطال بر نماید و بسبب پنه مرگیان این ظلم نیز که کسر مثل آن در نشینده منتظر دولت حضرت با بر

ش عظمیسم و اینکه در حفظ شرط چند نامه مبارکه که در میان این دولت و دولت از مبع کار در مصایف لغو فرزند عالم طی هر وثاقت خواهد شد و دولت روغی غیر ازین در تکلیف ندارد و باین وسیله راه چاره بدخواهان از تربت دارد

اینکه مصالط و سرورین عین راجالی احتوال مهتسود و خواهد گشت و از حضرت هر چند در تخانه مشور درین فخر خود مکتور این اعظم مافکر گشته باید ارسال شود که پنجم در راه برباب امیر زاده برسد تا وقت ملاقات بنظر امیر المومنین مذنبه با کمال ارادتی در حق اهل در مقام اغوز و کرم گذار و در نوا امر آماده هستم



این  
سخن  
نویس

و من در کتب فراوانی که در این دولت علیه در نیمه نه به تغییر و تحولات که در این کشور مخصوصاً در این

کشور  
مستقل  
مستقل  
مستقل

لایحه که در این دولت علیه در نیمه نه به تغییر و تحولات که در این کشور مخصوصاً در این

مستقل  
مستقل  
مستقل

در این دولت علیه در نیمه نه به تغییر و تحولات که در این کشور مخصوصاً در این

مستقل  
مستقل  
مستقل

لایحه که در این دولت علیه در نیمه نه به تغییر و تحولات که در این کشور مخصوصاً در این

مستقل  
مستقل  
مستقل

که در این دولت علیه در نیمه نه به تغییر و تحولات که در این کشور مخصوصاً در این

مستقل  
مستقل  
مستقل

مستقل که در این دولت علیه در نیمه نه به تغییر و تحولات که در این کشور مخصوصاً در این

مستقل  
مستقل  
مستقل

باید که در این دولت علیه در نیمه نه به تغییر و تحولات که در این کشور مخصوصاً در این

مستقل  
مستقل  
مستقل

تصور دارد که در این دولت علیه در نیمه نه به تغییر و تحولات که در این کشور مخصوصاً در این

مستقل  
مستقل  
مستقل

نسخه نامه امیر نیر از روس

میرزا

از فضل نا شاخچی و حق بجانبه که امیر سرحدت بمایکلای اول سلطان

عالم قاهر امپراطوری سلطنت کل ممالک روسیه و غیره غیره و غیره و آ

در بهترین زمان نامه و بلیغ دولت ایران و ارشاد تاج و پش کمان نشین

سلطنت عظیم و صبر و ارقضیه طهران و پشین مملکت استصار صادر نمودم

و از خبر میرزا شرحی ازین مرتبه شفا فقره نمود محض لایق شایسته

نوابش را لیه و نیت بولیع سلطنت ایران لازمه بقره و احترام را و باره

نواب خیر و میرزا ایجا آوردم بدیده که در ممالک روسیه شایسته شان

میرزا



وسرف معری الیراحمالین سهرسایم بسیمیده درهم امدت میرا

فواب منزی الہ فروگشت کزودید فی الواقع شایسته بجادیت قریب ادا شد

چنانچه از اخلاق حمیده و صفات پسندیده و ادوار حسنه ما دام الوفا

در روز ما از حسن سول کجبار و پذیر و تقریرت عاقلانه و نشین

خاطر ما را خوشند و وادار برافت و همسربان و مروت فیمابین

نمود بنیاد علیہ ورقه علمه به خط خود نوشتیم از سنخ معینه که عرض

دولت ایران است مراقی مصاکح منقده در رنگان چای که در عهد ما

بین الہ ولین عقیبن <sup>بن</sup> مندرج است منبج یک کز در تان که گشت نمودم و ما عجا

جهت داوم که بدین شرح کارسازی نمایند شمارا لازم است که ادلا

از صرفت پریشانی قضایای گذشته پروان روش عباس قاضی مرتلی را

در محنت کینظم مربوطه آری که سلسله نظام امور دولتی شانرا هم گنجینه

مکروه نصاب مشقانه ما بجهت احوال و استقرار سلطنت شانرا خواهد افزود

در صورتیکه وضع قانون نظامیه شما در محنت کین صهل نیست

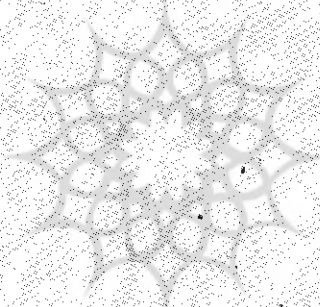
منظم گردد برای نظم امور محلی و دولتی هر که حسیاجی داشته باشید

از طرف ما بهر چه <sup>ازین جهت</sup> <sup>مصلحت</sup> مستحضر خواهد شد بعون اله تعالی همیشه در محنت

حمایت حفظ و صریح خدمت سجان جریانه بوده باشید ازین

خبر خوانانه ما ترجمه یافت شد در سال ۱۸۲۹ در سال چاپ رسالت مطبوعه در تهران

هجری



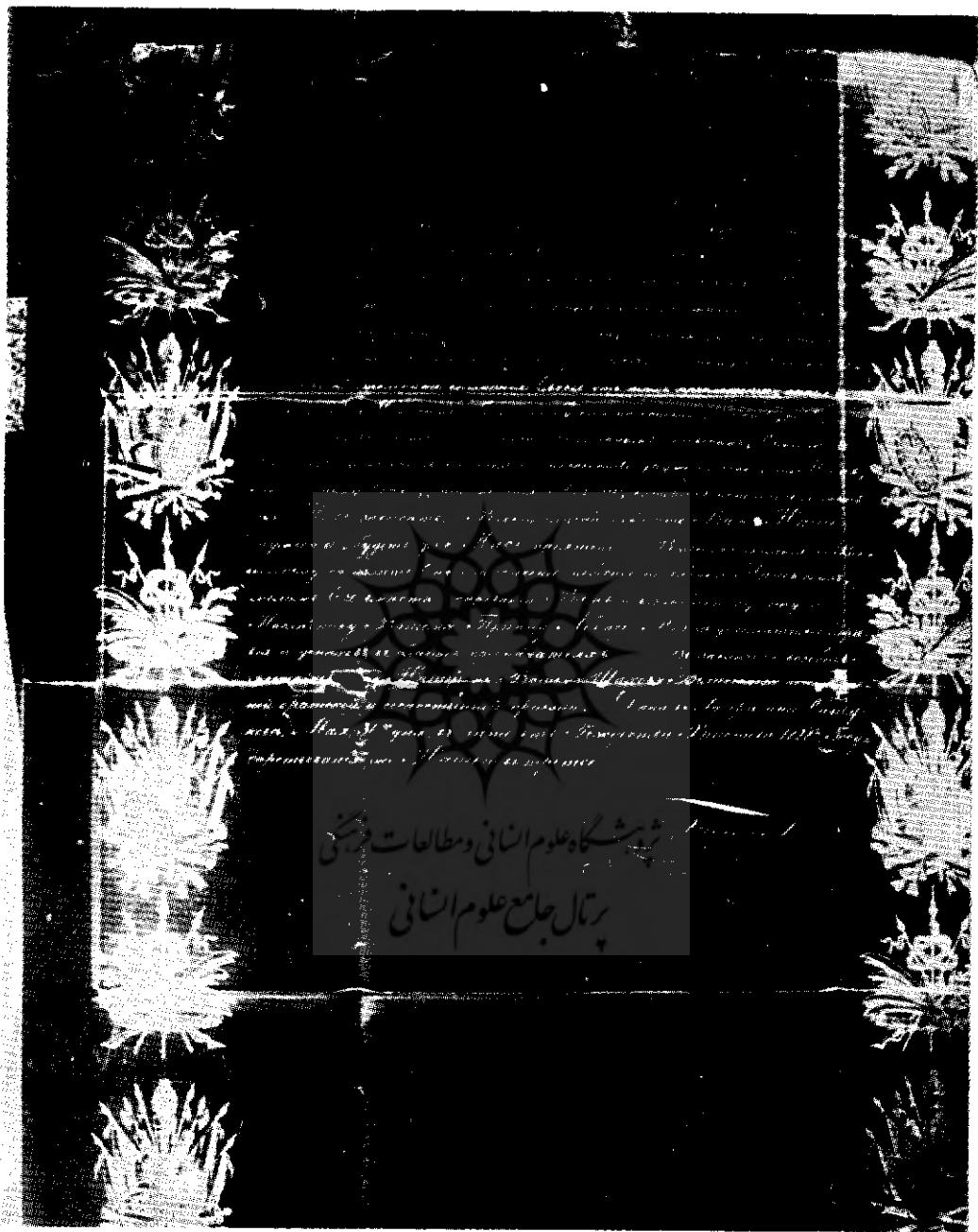
مکتب مطبوعه در تهران  
در سال ۱۸۲۹

۱۸۲۹

ترجمه شده در عهد امیران و ملوک



متن روسی سند شماره ۱ - قسمت اول اعتبارنامه گریبایدوف

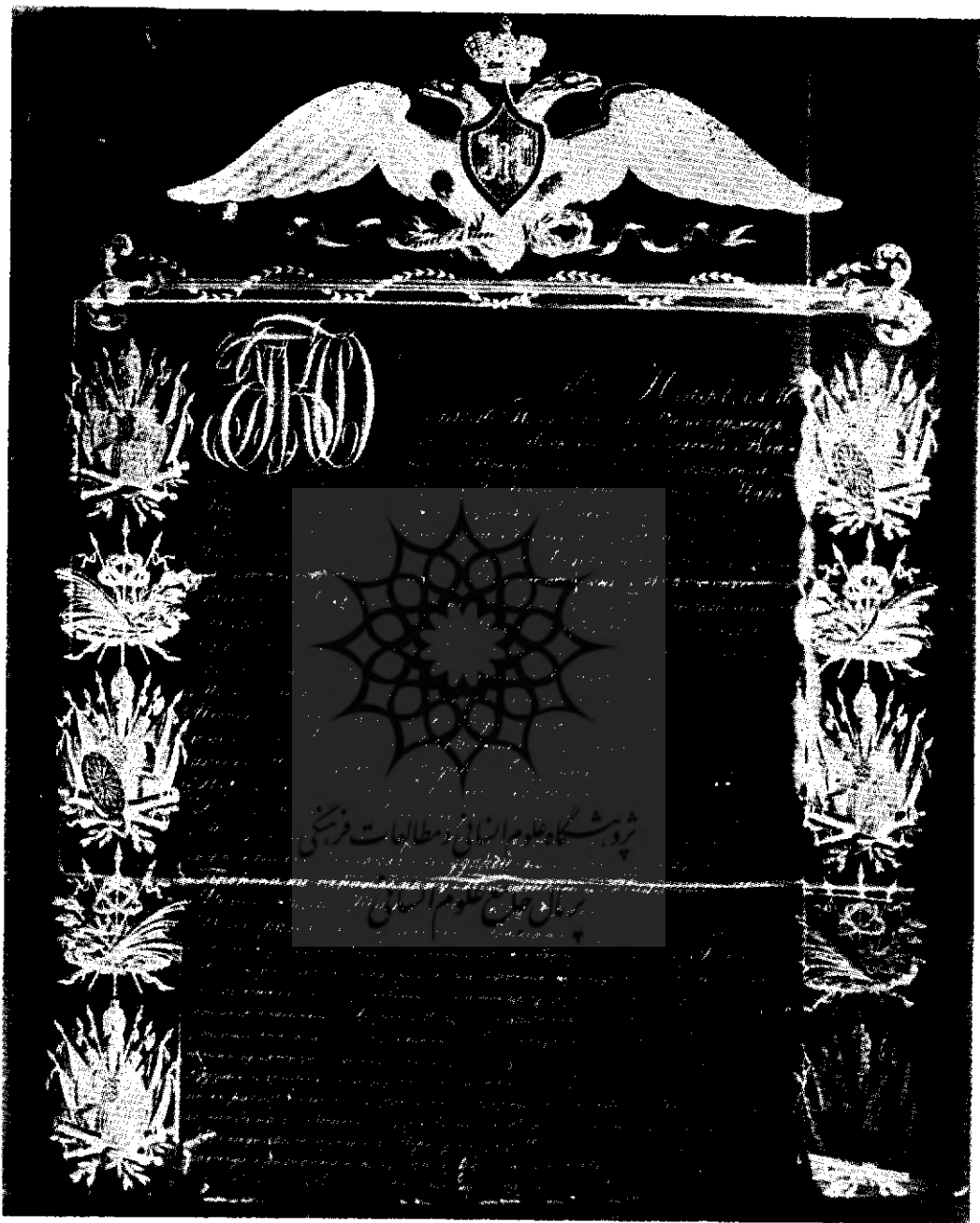


کتابخانه ملی و مخطوطات و کتب خطی  
پرتال جامع علوم انسانی

متن روسی سند شماره ۱ - قسمت آخر اعتبار نامه گریبایدوف

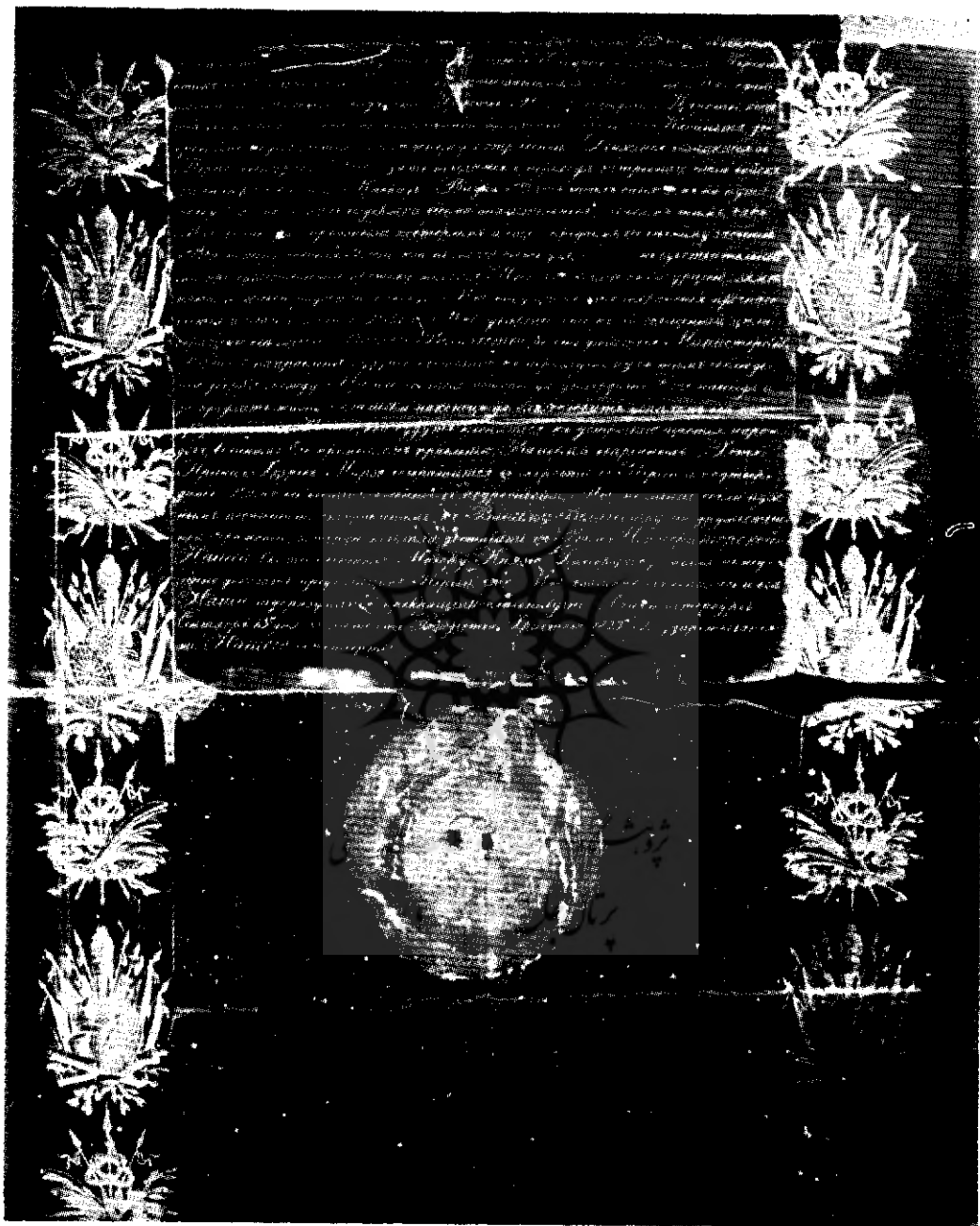






متن روسی سند شماره ۳ - قسمت اول نامه امپراتور روسیه به فتحعلیشاه

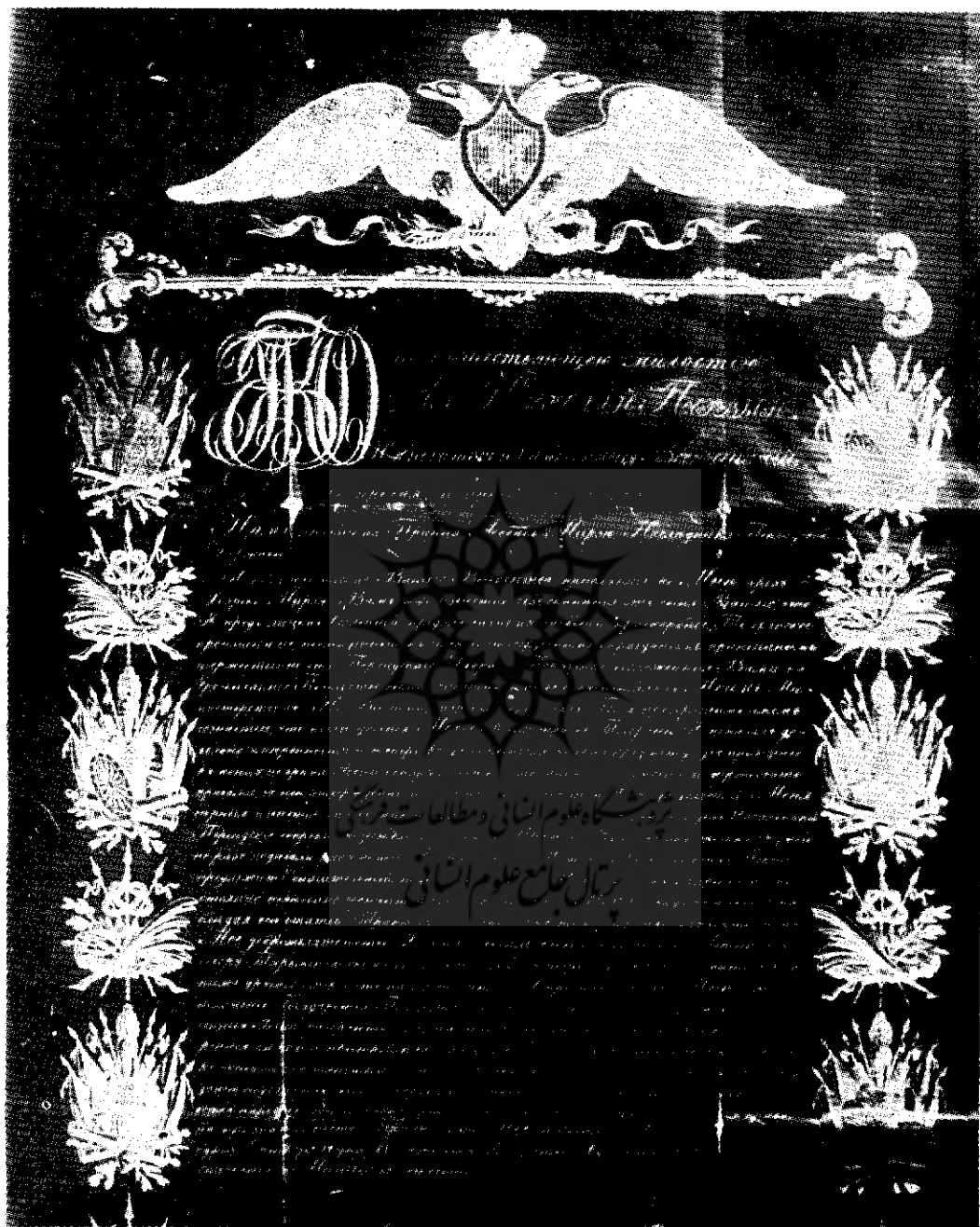




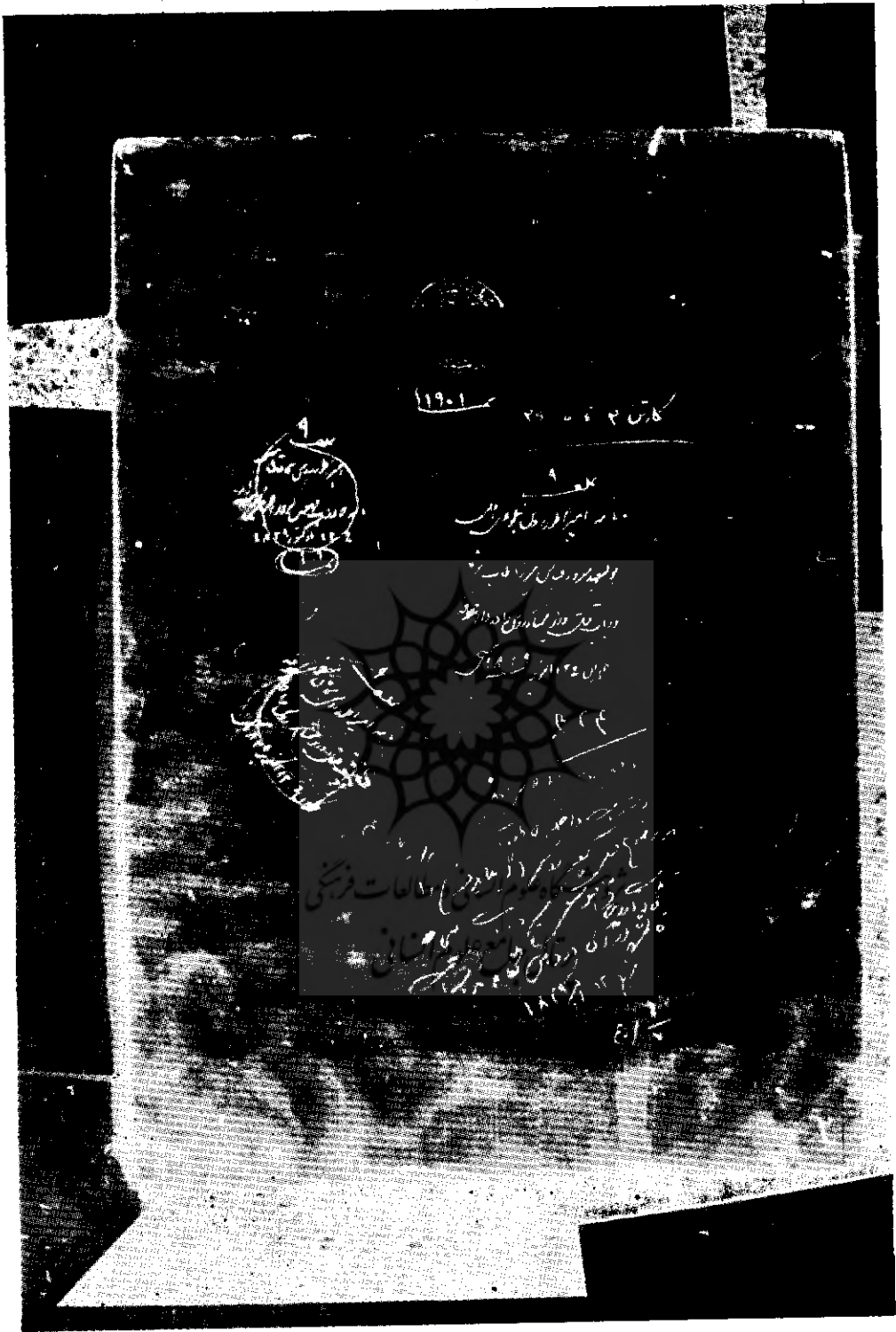
متن روسی سند شماره ۳- قسمت آخر نامه امپراتور روسیه به فتحعلیشاه



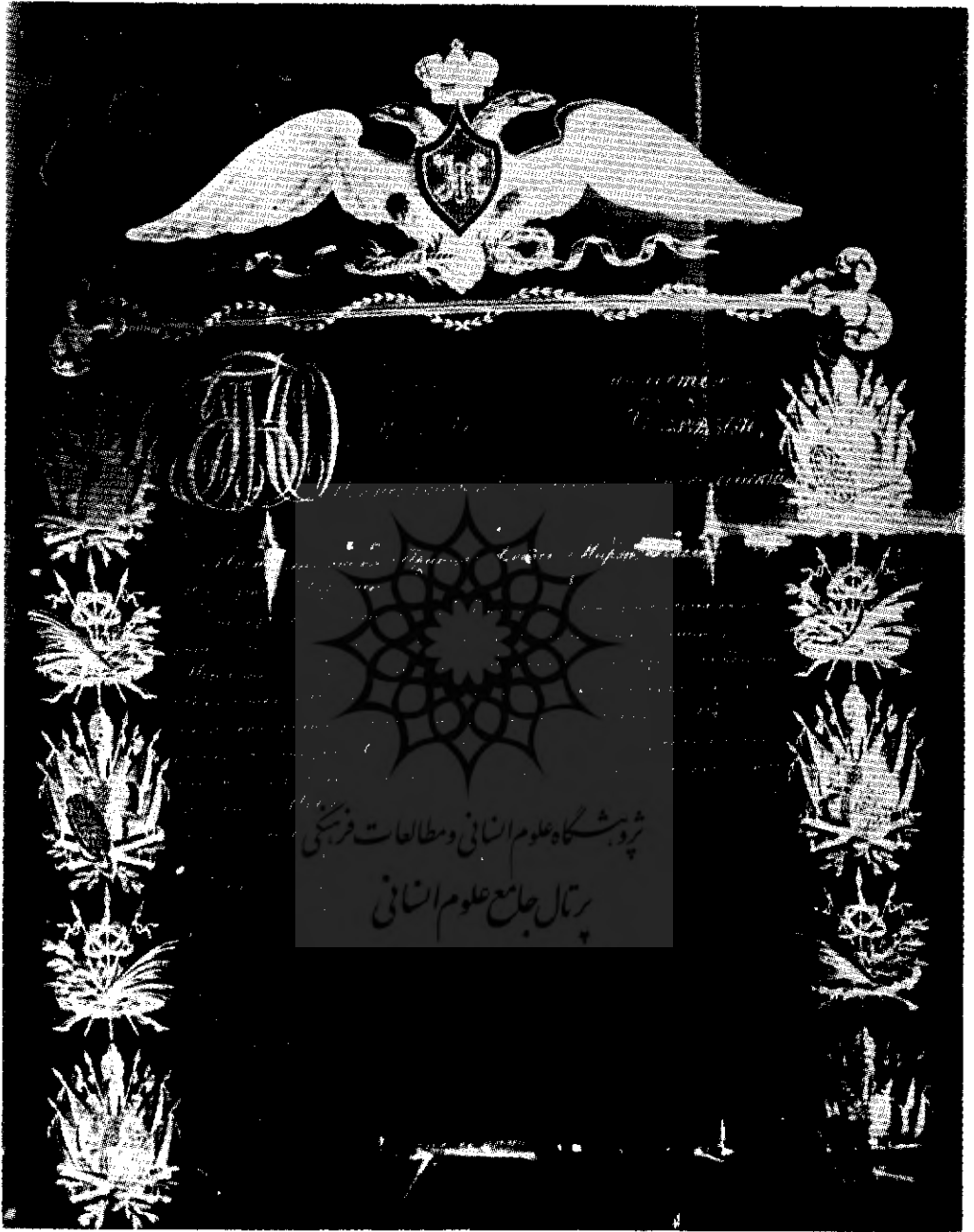
مربوط به سند شماره ۳- ثبت دفتر وزارت امور خارجه ایران



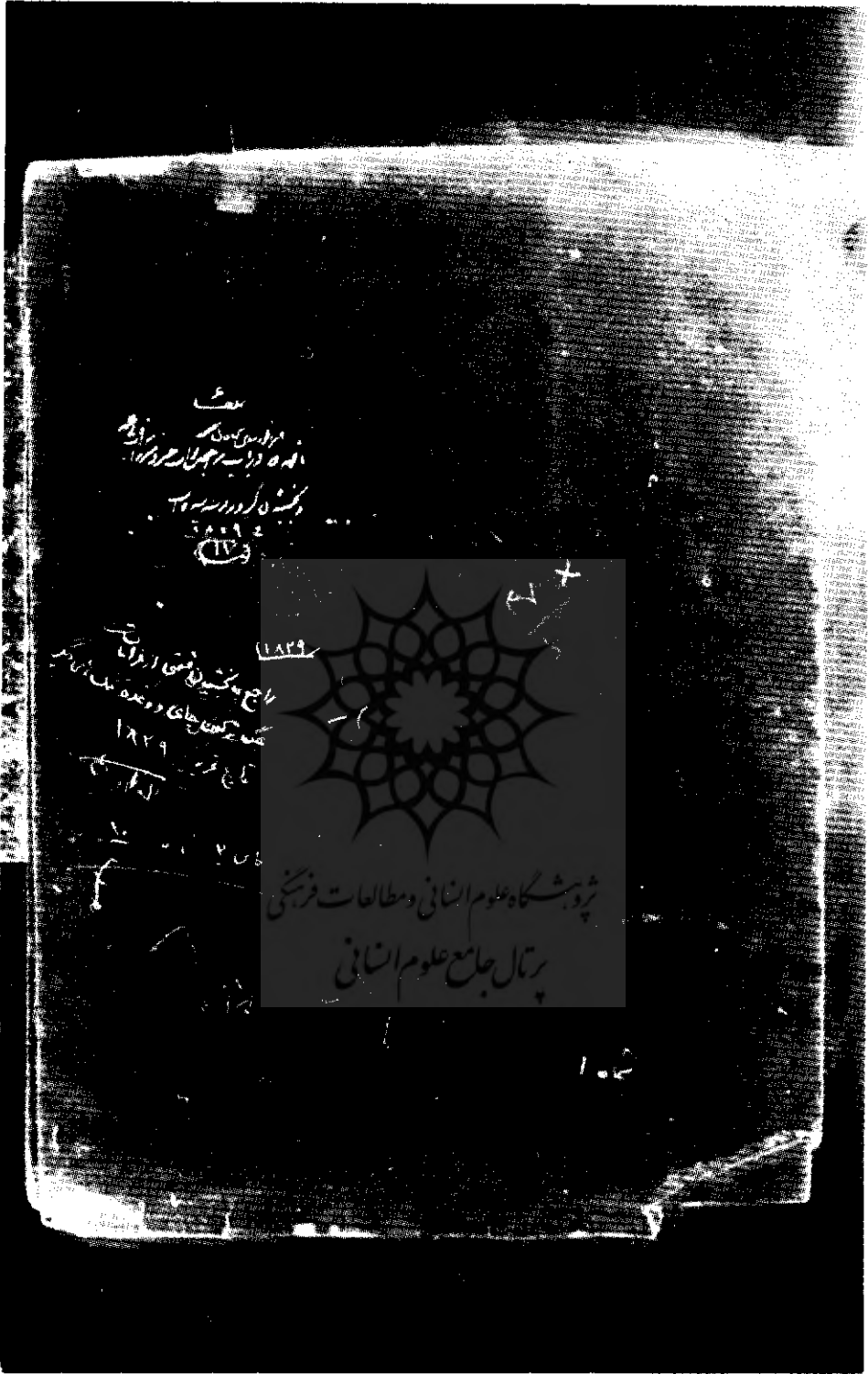
متن روسی سند شماره ۴ - نامه امپراتور روسیه به عباس میرزا نایب السلطنه



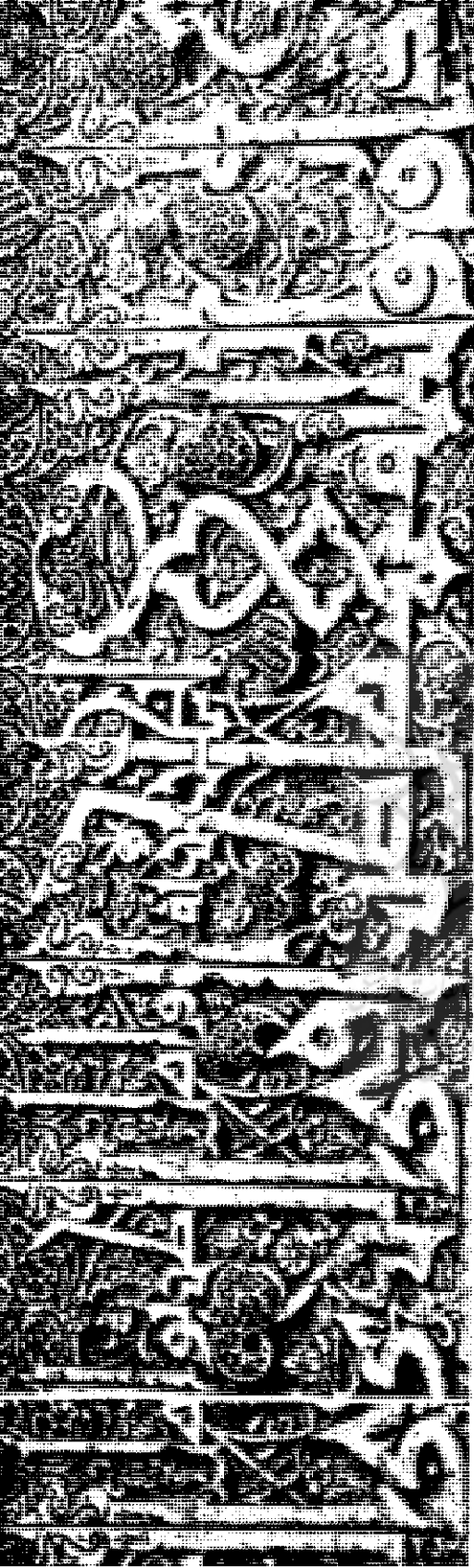
مربوط به سند شماره ۴ - ثبت دفتر وزارت امور خارجه ایران



متن روسی سند شماره ۵ - نامه امپراتور روسیه به عباس میرزا نایب السلطنه



مربوط به سند شماره ۵ - ثبت دفتر وزارت امور خارجه ایران



سیرتحوّل و تکامل خطّ

فارسی دری

پژوهشگاه علوم انسانی و  
پرتال جامع علوم

از

رکن‌الدین نبایون مستخ